مدیریت شهری
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014
۴۷-۶۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۷ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۲/۳

راهبردهای احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران

محمدرضا پورجعفر*- استاد تمام‌گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی اکبر تقوایی - دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.
پرویز آزاد فلاح - دانشیارگروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.
علی‌رضا صادقی- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.

چکیده
در بین فضاهای عمومی‌شهر تهران، رود دره‌ها جایگاهی قابل اعتناء دارند. اما آلودگی منابع حیاتی آب، فرسایش خاک، اضمحلال ذخایرگیاهی و جانوری، ساخت و ساز بی رویه در حریم بستر رود دره‌ها و غیره، زمینه از بین رفتن ارزش‌های زیبایی شناختی محیطی اینگونه فضاها را را فراهم آورده است. شناخت و تحلیل یکپارچه بستر اینگونه فضاها به منظور ایجاد تعادل مطلوب میان حضور انسان و توان اکولوژیکی رود دره و احیاء ارزش‌های زیبایی شناختی محیطی آن، امری اجتناب ناپذیر است. از اینرو این نوشتار بر آن است تا در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و مشاهده به ارائه راهبردها و سیاست‌هایی بپردازد که زمینه احیاء ارزش‌های زیباشناسی محیطی رود دره دارآباد تهران را فراهم آورد. جهت احیاء ارزش‌های زیبایی‌شناسی محیطی رود دره دارآباد، نتایج حاصل از این پژوهش بر حفظ و احیای سیستم‌های طبیعی، آموزش شهروندان، ایجاد مسیر پیاده حاشیه رودره، سامان‌دهی و حفظ آبخیز بالادست، حفاظت از کریدورهای جریان هوا و آب، حفظ و احیای باغ‌های موجود در حاشیه رودره در بخش شهری، حفاظت از خاک‌های ناپایدار در قسمت‌های پر شیب، کنترل تخریب و آلودگی حاشیه طبیعی رودره، حفظ و افزایش تنوع زیستی و حفاظت از دیدهای باز و جلوگیری از محدود شدن دید به سمت مناظر طبیعی وکوهستانی تاکید دارد.

واژگان کلیدی: احیاء محیط طبیعی، ارزش زیبایی شناسی، زیبایی شناسی محیطی، رود دره دارآباد تهران.

Strategies for Reviving the Environmental Aesthetic Values in Daar Abaad River-Valley of Tehran

Abstract
In recent years, urbanization has always experienced ever increasing growth. In that, the last decades of the past century witnessed 100% increase in urban population, comprising about 45% of the world population. Besides advantages such as accessibility to clean water, hygiene, and so like, the negative effects of urbanization on environment, especially degradation and pollution of urban environment, cannot be ignored. These negative effects have faced the process of environmental aesthetics experience in human with problem. On the other hand, in half of the twentieth century, environmental aesthetics related theoretical subjects and understanding the beauty of natural and artificial environments around human being were addressed more than ever. Paying attention to this approach was a response to analytical aesthetic attitude towards understanding and perceptualization of the environment which argued that aesthetics and understanding natural and artificial environment around men are unimportant, subjective, and non-aesthetics due to the defects and failures of environment and nature and the way they are understood. In contrast, environmental aesthetics theorists such as Hepburn and Aldo Leopold believed that natural and human-made environments surrounding men are indeed resources that can be used to obtain a different aesthetics experience which is potentially rich and valuable. Since environment is in no way limited to concepts such as artistic-historical traditions and artistic-critical theories. Therefore, it allows human to obtain infinite, pleasant, and creative understanding of it. It is the understanding that follows an evolutionary shift from superficial aesthetics experience to a deep and serious one. Therefore, environmental aesthetics and the experience from it are formed based on two main bases. First, differences between art and environment with respect to the resources available for achieving aesthetics understanding and experience. In fact, environmental aesthetics paved the way for obtaining aesthetic experience from the environment by highlighting infinity of natural and human-made environments and the importance of understanding them by men. In order to revive the environmental aesthetic values in Daar Abaad river-valley area, the results of this research emphasize on the importance of preserving and reviving natural systems, training the citizens, creating a sidewalk along the river-valley, organizing and preserving the watershed ahead, preserving the corridors of the air and water streams, preserving and reviving the gardens within the urban part of the river-valley area, protecting the unstable soils in areas with a sharp slope, controlling the destruction and pollution in the natural margin of river valley, preserving and improving the biological diversity, and preventing the limitation of view toward the natural and mountainous sights.

Keywords: Reviving the natural environment, Aesthetic values, Environmental aesthetics, Daar Abaad river-valley of Tehran

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۳۵۵۷۱؛ رایانامه: pourja_m@modares.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری آقای علی‌رضا صادقی با عنوان «تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاهای عمومی‌شهر ایرانی اسلامی» است‌که به راهنمایی آقایان دکتر محمد رضا پورجعفر و دکتر علی اکبر تقوایی و مشاوره آقای دکتر پرویز آزادفلاح در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

مقدمه و بیان مساله

در نیمه قرن بیستم به مباحث نظری زیبایی‌شناسی محیطی و درک زیبایی محیط طبیعی و مصنوع پیرامون انسان بیش از پیش توجه شد. توجه به این رویکرد پاسخی به شیوه نگرش زیبایی‌شناسی تحلیلی به موضوع شناخت و ادراک محیط بودکه استدلال می‌کرد زیبایی شناسی و درک محیط طبیعی و مصنوع پیرامون انسان به علت نقص و نارسایی محیط و عالم طبیعت و چگونگی شناخت آن، بی‌اهمیت، شخصی و غیرزیبایی‌شناختی است. در مقابل نظریه پردازان زیبایی شناسی محیطی چون «هیپورن» و «آلدو لئوپولد» معتقد بودندکه محیط طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون انسان، در حقیقت منابعی هستندکه می‌توان با بهره‌گیری از آنها به نوعی تجربه زیبایی‌شناختی متفاوت دست یافت‌که بالقوه بسیار غنی و ارزشمند است. چراکه محیط به هیچ‌وجه در قیدوبند مفاهیمی همچون سنت‌های هنری- تاریخی و نظریات هنری- انتقادی نیست، بنابراین این امکان را فراهم می‌کندکه انسان به درکی نامحدود، دلپذیر و خلاق از آن دست یابد. شناخت و درکی که روندی تکاملی از تجربه زیبایی‌شناختی سطحی به تجربه زیبایی‌شناختی عمیق و جدی را دنبال می‌کند. بنابراین ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی و تجربه حاصل از آن بر اساس دو پایه اصلی شکل گرفته است. نخست مسئله تفاوت‌های میان هنر و محیط در زمینه منابعی که برای رسیدن به درک و تجربه زیبایی‌شناختی وجود دارد و دوم مسئله چگونگی شناخت و درک محیط طبیعی و انسان‌ساخت‌که تا پیش از این و در زیبایی شناسی تحلیلی، در قیدوبند پارادایم قدیمی تأمل بی‌طرفانه در ویژگی‌های حسی و صوری بود. اما در سالهای اخیر، همواره شهرنشینی با رشد روزافزون رو بـــه رو بوده است. به طوری‌که دهه‌های پایانی قرن گذشته میلادی، جمعیت شهری تقریبا ۱۰۰ درصد افزایش یافته و تقریبا ۴۵ درصد از جمعیت جهان را تشکیل داده‌است. درکنار مزایایی چون دستیابی به آب تمیز، بهداشت و ...، نمی‌توان تاثیرات منفی شهرنشینی بر محیط زیست را، به خصوص در زمینه تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست شهری، نادیده گرفت. این اثرات منفی، فرآیند ادراک ارزش‌های زیبایی شناسانه محیط را نیز در انسان با مشکل مواجه ساخته است. در بین فضاهای عمومی شهر تهران، رود دره‌ها (به عنوان یکی از عوامل شکل‌دهی مورفولوژی و عامل پایداری اکولوژی شهر تهران) جایگاهی قابل اعتناء دارند. علی رغم توانایی خود بازسازی رود دره‌ها پس از وقوع آشفتگی‌های طبیعی و انسانی، امروزه تخریب وسیع اینگونه مناظر شهری طبیعی، که عمدتا عاملی انسانی دارند، مشاهده می‌شود. در واقع امروزه به واسطه کاهش حوزه‌ها و مناظر طبیعی با ارزش اکولوژیکی در داخل مناطق شهری، که بخش مهمی از فضای عمومی و منظر شهری به شمار می‌آیند، مسایل محیط زیستی بیشماری به وجود آمده‌است. به نظر می‌رسد به منظور کاهش معضلات محیط زیستی شهرهای امروزی و کاهش اثرات منفی شهرنشینی بر محیط زیست شهری، حضور پررنگ‌تر طبیعت و عناصر طبیعی در منظر شهری (به عنوان محیط و ظرف فعالیت انسانی) و غنی‌ترکردن تجربه درک عناصر طبیعی منظر شهری برای شهروندان ضروری است. چراکه منظر شهری متشکل از محیط‌های طبیعی و محیط‌های انسان ساخت است‌که همواره بستر فعالیتهای انسانی را فراهم آورده‌اند. از اینرو فعالیت‌های انسانی بر منظر شهری طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون انسان تأثیرگذاشته و از آن تأثیر پذیرفته است.

از ایـــنرو این نوشتار بر آن است تا در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و مشاهده به بازخوانی مفاهیم مرتبط با زیبایی شناسی محیطی، منظر شهری و رود دره‌های شهری بپردازد و با تحلیل یکپارچه رود دره دارآباد تهران (به عنوان فضایی عمومی و عنصری شاخص در منظر شهری تهران) راهبردها و سیاست‌هایی ارائه نمایدکه زمینه احیاء ارزش‌های زیباشناسی محیطی این عنصر منظر شهری تهران را فراهم آورد. با توجه به آنچه گفته شد در ادامه به بازخوانی مفاهیم مرتبط با منظر شهری طبیعی و عناصر آن پرداخته است و رودره‌ها به عنوان یکی از عناصر اصلی منظر شهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

طبیعی معرفی شده‌اند.

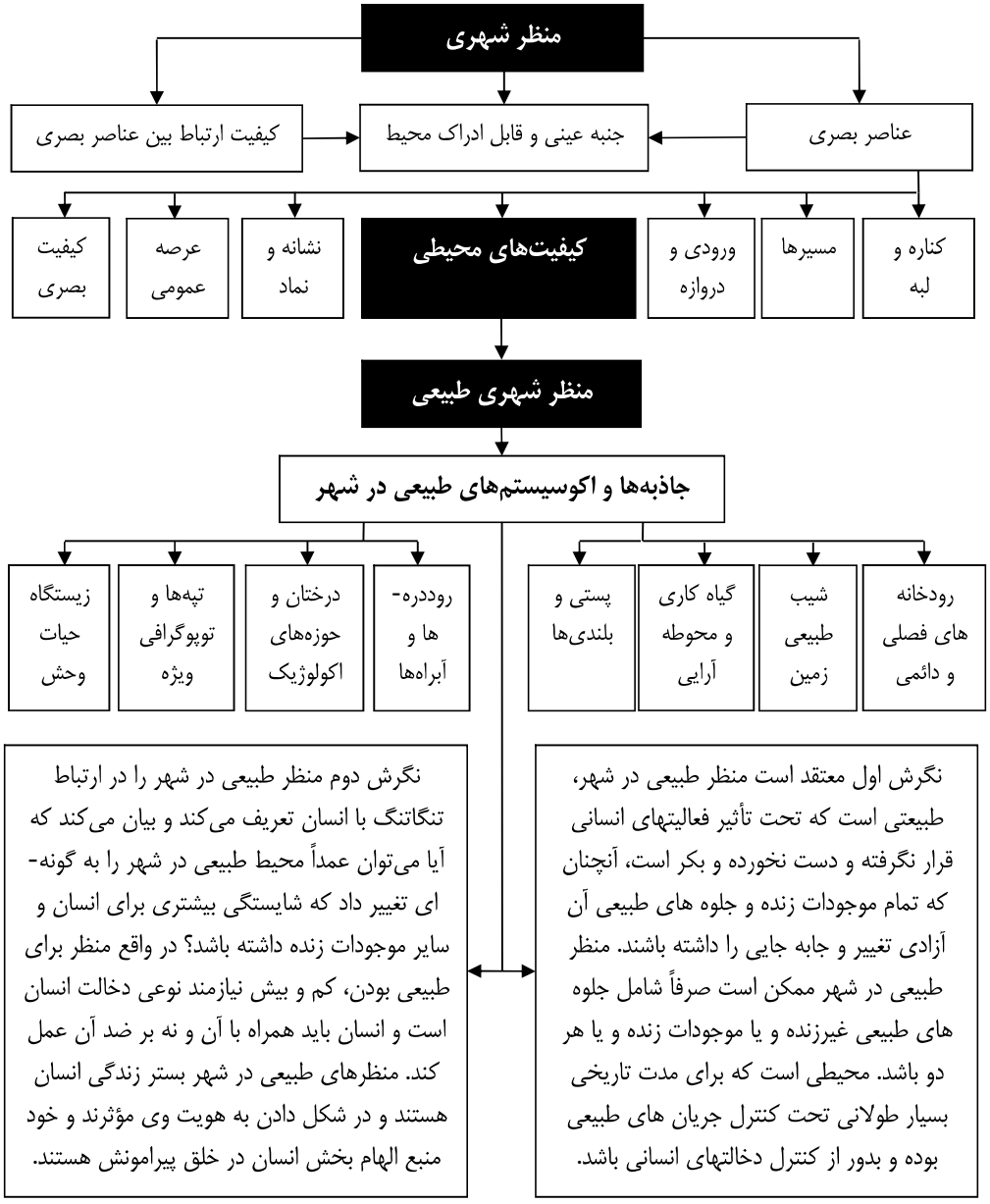
چارچوب مفهومی موضوع پژوهش

رودره‌ها به عنوان یکی از عناصر اصلی منظر شهری

مطالعه تاریخ ملل مختلف در ارتباط با طراحی شهری سرزمین‌هایشان می‌تواند روشنگر نیاز و میزان تلاش انسانها برای هماهنگی با شرایط حاکم بر عصر خود باشد که به هر حال این هماهنگی از دو راه تطابق و یا مقابله در برابر شرایط تحمیل شده فراهم آمده و حاصل این فرآیند منظر نام دارد. منظر تصویری است مادی، جامد، فیزیکی و واقعی که حرکت ذاتی ندارد، عمل نمی‌کند ولی در عین حال انسانها آن را به‌وسیله‌ی حواس خود درک می‌کنند. هر یک از این حواس تأثیر بسیاری بر برداشت بیننده از محیط دارند. (سیف‌الهی، ۱۳۸۱، ص ۵۳- ۵۴) در واقع منظر آن قسمت از محیط است که انسان در آن ساکن بوده و به واسطه‌ی ادراک خود آن را درک می‌کند. نمی‌توانیم از آن بگریزیم یا به عنوان یک موضوع اختیاری اضافی یا فضایی برای گذراندن اوقات فراغت به آن نگاه کنیم (بل، ۱۳۸۶، ص ۹۱)؛ بنابراین مسلم است فضای بیرونی هر مکانی که در میدان دید باشد و در چشم اندازی واقع شود که شامل مجموعه ای از اطلاعات بصری مانند زمین یا اشیا و ساختارهای مصنوع و همچنین پوشش گیاهی و آب و جز آن و نیز آسمان می‌باشد، جلوه‌ای از منظرشناخته می‌شود (خراسانی زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

در این زمینه «منظر شهری آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی موثر است. در منظر شهری است که بخشی از اطلاعات بالقوه محیط به کیفیتی مستقیما محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود. بدین ترتیب منظر شهری جنبه عینی یا قابل ادراک محیط می‌باشد که به نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست» (پاکزاد، ۱۰۱ :۱۳۸۵)؛ اصولا طراحی شهری، مدیریت منظر شهری (منظر عینی و ذهنی) است (گلکار، ۱۳۸۵، ص ۳۸-۴۷) و منظر شهری هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها و خیابان‌ها و مکان‌هایی است که محیط شهری را می‌سازند (کالن، ۱۳۸۲: الف)؛ در منظر شهری، عناصر بصری شامل مجموعه عناصری هستند که در زمینه‌های مختلف، نشاندهنده قابلیت‌های منظر یک حوزه مشخص می‌باشند و موجب خوانایی و ارتقاکیفیت منظر مجموعه شده و در نقشه ذهنی افراد جایگاه خاصی برای کمک به جهت یابی و راه یابی در مجموعه دارا می‌باشند (مهندسین مشاور پارهاس، ۱۳۸۳، ص ۱). این عناصر عبارتند از: نشانه‌ها و نمادها، کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های بصری، ورودی و دروازه‌ها، عرصه‌ها و فضاهای عمومی، کناره‌های محدود کننده یا اتصال دهنده و مسیرها. منظور از کیفیت‌های محیطی در اینجا ویژگی‌های طبیعی خاص چون وجود تپه‌ها، پستی و بلندی‌ها، شیب طبیعی زمین، درختان و حوزه‌های اکولوژیک، رودخانه‌های فصلی و دائمی، رودره‌ها، محوطه آرایی‌ها، گیاه‌کاری و توپوگرافی‌های ویژه است. ویژگی‌هایی که این نوشتار از آنها به عنوان منظر شهری طبیعی نام می‌برد. در واقع بشر برای زندگی راحت نیازمند یک منظر شهری مطلوب است. این منظر شهری متشکل از محیط طبیعی و مصنوع است. محیط طبیعی در منظر شهری موهبتی است که به ما عطا شده، همچون منابع طبیعی که شامل کوه‌ها محیط سبز و رویه خاک مناسب جهت پوشش گیاهی است (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۳۹). در واقع منظر شهری طبیعی شبکه‌ای منسجم و یکپارچه از جاذبه‌ها، زیستگاه‌ها و اکوسیستم‌های طبیعی در شهر هستند که توسط جریان‌های انتقالی و بینابینی (چون جریان‌ها و پهنه‌های نمادین، فرهنگی، کالبدی، عملکردی، خرد اقلیمی، جانوری و انسانی) با هم مرتبط هستند. به واسطه ارتباط بنیادین مفهوم بسیار پیچیده طبیعت با مفهوم منظر شهری طبیعی، طیف وسیعی از دیدگاه و نگرش‌های متفاوت در زمینه حضور طبیعت در سکونتگاه‌های انسانی مطرح شده‌است. دو نگرش کلی در این زمینه وجود دارد که در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و در دو سر این طیف قرار دارند. از یک سو نگرشی طبیعت را عاری از حضور انسان می‌ستاید و معتقد است «آنچه را انسان‌ها به آن دست بزنند خراب خواهد شد» (اسپیرن، ۱۳۸۴، ص ۹۹) و از سوی دیگر دیدگاهی مدافع حضور انسان درکنار طبیعت به عنوان حامی و حتی نجات بخش آن است. مطابق این

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]



نمایه ۱. عناصر منظر شهری طبیعی و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آن؛ ماخذ: نگارندگان.

نگرش انسان می‌تواند با بالابردن شناخت و درک خود از منظر شهری طبیعی و جلوگیری از تخریب روزافزون آن، نقش هدایتگری و محافظت از طبیعت را نیز به عهده بگیرد. در نمایه شماره ۱ عناصر منظر شهری طبیعی و دیدگاه‌های متفاوت نسبت به رابطه انسان و منظر شهری طبیعی تبیین شده است.

اما در بین عناصر منظر شهری طبیعی، رود دره‌ها جایگاه مشخص و قابل اعتنایی دارند. چراکه رود دره‌ها و باغ‌های شکل گرفته در محیط پیرامونی آنها یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی مورفولوژی و استخوانبندی اصلی شهر و عامل دوام و پایداری اکولوژی شهری هستند (دیناروندی و دیگران، ۱۳۹۱) در واقع یکی از بارزترین مولفه‌های طبیعی که همواره در منظر شهری موثر بوده‌اند، رود دره‌ها هستند. وجود دره‌های سرسبز، آب‌های جاری، کریدورهای هوای خنک کوهستانی و مناظر و چشم‌اندازهای بدیع و دیگر موهبت‌های طبیعی جایگاهی جذاب و هویت بخش را در اختیار توسعه شهر قرار داده است و این دره‌ها همواره یکی از مهم‌ترین

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

جدول ۱. رودره‌ها در منظر شهری؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع مختلف.

رود دره‌ها به عنوان عنصری از منظر شهری طبیعی			
تاثیر در وجوه مختلف منظر شهری	**الزامات قابل توجه**	**فرصت‌ها**	**تهدیدها**
○ زیبایی شناسی منظر شهری ○ خوانایی منظر شهری ○ به عنوان عنصر نمادین و هویت ساز در منظر شهری ○ خلق سکانس در منظر شهری ○ ارتقا گوناگونی منظر شهری ○ رفتار و فعالیت شهروندان ○ پایداری و تداوم اکولوژیکی منظر شهری ○ منظر شنیداری ○ ایجاد انسجام بین پهنه-های سبز شهری ○ کاهش آلودگی‌ها در منظر شهری ○ ایجاد تعادل در فرآیند قطبی شدن منظر شهری ○ ارتقا تعاملات اجتماعی ○ حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری در منظر شهری طبیعی ○ تعامل با خرد اقلیم و عنصر آب در منظر شهری	○ استفاده عقلایی و پایدار از امکانات رود دره‌ها در زمینه ارتقای کیفیت محیط شهری. ○ ایجاد پیوندهای بصری و اکوسیستمی میان بافت‌های جداشده شهری از طریق معبر سبز و مشجر با کاربری های گذران اوقات فراغت. ○ قرارگیری رود در بستر طبیعی و در کنار هر محله و جلوگیری از تبدیل شدن آن به کانال فاضلاب. ○ استفاده از رود دره‌ها در برقراری پیوند بین بافت‌های شهری و به ویژه بافت مسکونی با طبیعت. ○افزایش جاذبه های گردشگری شهری و بهبود کیفیت زندگی شهروندان ○ استفاده از تکنیک‌های احیا و برنامه‌ریزی اجرا طرح های ارتقا کیفیت رود دره‌ها ○ ارزیابی اثرات زیبایی شناختی، اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی رود دره‌ها بر بافت-های شهری	○ تامین منابع آب شیرین ○ کریدور طبیعی جریان آب و هوا ○ ایجاد فضاهای گردشگری و محل تجمعات برای مراسم مختلف ○ ایجاد مناظر و چشم اندازهای بدیع با تلفیق محیط طبیعی و عناصر انسانساخت ○ ایجاد فضاهایی برای ارتقا سطح تعاملات اجتماعی شهروندان ○ ایجاد فضاهایی برای کاهش استرس و فشار روحی شهروندان از طریق ایجاد ارتباط مطلوب با طبیعت ○ امکان دسترسی مناسب به وسیله سیستم حمل و نقل عمومی به محل قرارگیری رودره‌ها	○ توسعه ساخت و ساز با تراکم زیاد در مجاورت رود دره‌ها ○ هدایت آب‌های سطحی و فاضلاب شهری و آلوده نمودن آب رودره‌ها ○ تخلیه زباله در درون رود دره‌ها ○ تخریب و از بین بردن عناصر طبیعی در مسیر رود دره‌ها ○ امکان وقوع سیل و آب گرفتگی در اثر توسعه غیر اصولی بستر رودره‌ها ○ عدم پیش بینی حریم مشخص برای بستر رود دره‌ها ○ بی توجهی به حفظ و احیای عناصر طبیعی موجود و در شرف نابودی بستر رودره‌ها ○ عدم توجه به الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از بستر رود دره‌ها و عدم برنامه ریزی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان در این فضاها

عناصر پیوند انسان، شهر و طبیعت در دامنه جنوبی البرز بوده‌اند. (پاسبان حضرت، ۱۳۷۹) این منابع ارزشمند دارای ویژگی کاملاً متمایز از سایر منابع طبیعی شهرها هستند. گسترش و نفوذ رود دره‌های شهری در میان بافت‌های شهری و در نتیجه دسترسی پذیری بالای آنها ازجمله خصوصیات مهم این عنصر منظر شهری طبیعی می‌باشد.

این ویژگی، برخلاف خصوصیات عناصر محیطی دیگر چون کوه‌ها، باغ‌ها، مرتع‌ها و جنگل‌ها می‌باشد که به دلایل روشن از دسترس بسیاری از شهروندان به دورهستند. به همین دلیل اهمیت این دره‌ها دیگر تنها در ارزش‌های طبیعی و محیطی آنها نهفته نیست، بلکه با گذشت زمان هر یک از آنها به سرمایه‌ای تاریخی، فرهنگی و زیست محیطی برای شهر تبدیل شده‌اند حال

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

آنکه در ساختار شهری و مدیریتی شهر مورد بی مهری و فراموشی قرار گرفته‌اند (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷-۳۰۲). ترکیب عناصر طبیعی آب، خاک، صخره‌ها و گیاهان با یکدیگر و به اشکال گوناگون هنری در رود دره‌ها (به‌ویژه در رودره‌های شهر تهران) جلوه‌های طبیعت بکر را یادآوری و آرامش خاصی به انسان می‌بخشد. متاسفانه در دهه‌های گذشته انسان بدون توجه به حفظ و نگهداری اکوسیستم‌های طبیعی و ارزیابی توان زیست محیطی منطقه با فشار بیش از توان محیط، به تخریب محیط طبیعی پرداخته و ادامه تداوم حیات طبیعی این نعمت‌های الهی را با مشکل مواجه ساخته است (بزرگی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳-۷۱). توجه به این مهم و ضرورت نگهداری از این عنصر منظر شهری طبیعی سبب شده است که در مبانی توسعه شهر تهران، استفاده از رود دره‌های شمالی- جنوبی شهر به منظور تمرکززدایی از مرکز و تراکم عملکردهای غیر مسکونی در پهنه‌ی محورهای پیوسته شمالی- جنوبی مد نظر قرار گیرد. همچنین تعدیل فرآیند قطبی شدن شمال- جنوب تهران با توزیع و استقرار عملکردهای عمومی در حاشیه رود دره‌ها و تجهیز مراکز شهری در مقیاس‌های متفاوت و پراکنش آنها در اطراف رودره‌ها از جمله اصول اساسی توسعه شهر تهران شناخته شده است (بمانیان، ۱۳۸۷، ص ۱-۱۴). در جدول شماره ۱ نقش رودره‌ها در شکل گیری منظر شهری، الزامات قابل توجه در این عناصر و مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی این عنصر منظر شهری طبیعی تدقیق شده‌است.

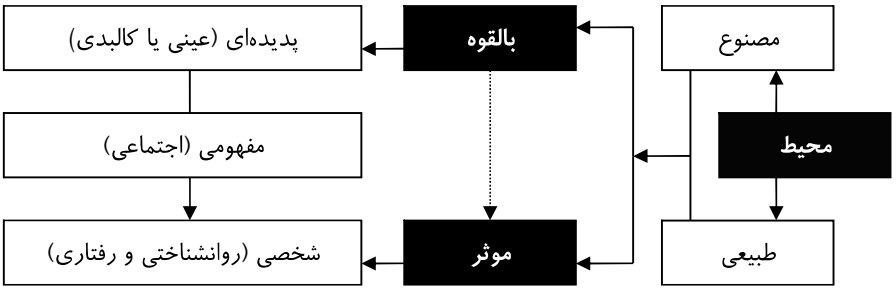
به نظر می‌رسد طرح مبحث زیبایی‌شناسی محیطی در منظر شهری و به ویژه در منظر شهری طبیعی و عناصر آن سبب می‌شود که ارزش‌های زیبایی شناسی از نمایشگاه‌های آثار هنری و تک بناهای معماری به فرم های طبیعی و محیط‌های انسان‌ساخت بزرگ مقیاس انتقال یابند؛ چرا که به گفته روس (rose, ۱۹۷۶) کیفیت‌های زیبایی شناسی محیط و تحسین گسترده آن‌ها به میزان زیادی توسط تئوری‌های زیبایی شناختی کنونی نادیده گرفته شده‌است. اگر فلسفه زیبایی شناسی نتواند به ما در درک واکنش‌مان نسبت به محیط کمک کند باید به طور حتم جهت خود را تغییر دهیم.

مفاهیم مرتبط با ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی

واژه محیط دارای معانی گوناگونی است که امکان رسیدن به تعریفی واحد از آن را دشوار می‌کند. فرهنگ لغات آکسفورد در تعریف محیط آن را محدوده یا شرایطی تعریف می‌کند که هر پدیده یا موجودی در آن زندگی یا فعالیت می‌کند. (Hornby et al., ۲۰۰۷: ۵۱۱). همچنین فرهنگ لغات فارسی معین محیط را دربرگیرنده، احاطه‌کننده و جای زندگی آدمی معرفی می‌کند (معین، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲۹). در واقع، فضای اطراف، اصلی‌ترین معیار تعاریف محیط است. بنابراین هر توصیف، تعریف یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف باشد (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۸۵). در باب تقسیم بندی انواع محیط با دو نوع محیط مواجه هستیم. اول محیط بالقوه برای رفتار انسان و دوم محیط موثر که فرد به آن توجه می‌کند و آن را مورد استفاده قرار می‌دهد. همچنین بسیاری از پژوهشها بین محیط «کالبدی»، «اجتماعی»، «روانشناختی» و «رفتاری» تمایز قایل می‌شوند. محیط کالبدی شامل پهنه‌های زمینی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروهها، محیط روانشناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد. آنچه در این تقسیم بندی بیش از هر چیز به دیده می‌آید، تفاوت میان جهان واقعی (حقیقی یا عینی) پیرامون انسان و جهان پدیدارشناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری مردم را به واکنش وا می‌دارد. علاوه بر این داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم محیط های پدیده‌ای (عینی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید.

در واقع منظور از محیط در بحث حاضر، همانا محیط عینی یا پدیده‌ای است. محیطی که پاکزاد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۴۵) آن را اینگونه تعریف می‌کند: محیط به هر آنچه در پیرامون وجود دارد و به‌صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هر چند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است‌که از پیرامون ما، ارسال می‌گردند. این اطلاعات می تواند از محیط طبیعی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]



نمایه ۲. تقسیم بندی انواع محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

(هر آنچه در طبیعت است و بدون دخالت انسان به وجود آمده) یا محیط مصنوع (آنچه ساخته دست انسان است) ارسال گردد. (نمایه شماره ۲)

از سوی دیگر لغت زیباشناختی (استتیک) در اصل یونانی و به معنی ادراک است. از قرن هجدهم میلادی مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روانشناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده شده و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب آمد. «الکساندرگوتلیب باومگارتنر» از مفهوم زیباشناختی به عنوان مفهومی‌به موازات علم الاخلاق و منطق استفاده نمود. نقشی راکه عقل در علم الاخلاق داشت سلیقه در زیباشناختی به دست آورد و سلیقه، احساس و ادراک بار دیگر در علم زیبایی شناسی راه یافتند. به این ترتیب زیباشناختی در قرن بیستم به صورت فلسفه و دانش تمامی‌نمودهای زیبایی شد. در واقع زیبایی شناسی معمولا با طبیعت، معنا و تحسین هنرهای زیبا مانند نقاشی، مجسمه‌ساز، موسیقی، تئاتر و احتمالاً معماری ارتباط دارد. (بل، ۱۳۸۶، ص ۸۸) بی‌شک یکی از نمودهای اصلی زیبایی شناسی در محیط پیرامون انسان رخ می‌نماید. زیبایی‌شناسی محیطی با زیبایی‌شناسی هنر تفاوت دارد، هر چند ارتباطاتی نیز بین آن‌ها یافت می‌شود اما زیبایی‌شناسی محیطی تجربه خصوصیات ادراکی و احساسی محیط با استفاده از تمامی‌حواس است. در این دیدگاه، علم زیباشناسی به معنی وسیع‌کلمه به بررسی و روشهای احساس و ادراک محیط و موقعیت فرد در داخل آن می‌پردازد. چراکه انسان از محیط جدا نیست و قسمتی از یک‌کل با اجزای مربوط به هم است. در واقع تجربه زیبایی شناسی محیطی ماهیتی‌کاملا ادراکی دارد هر چند عوامل غیر ادارکی نیز تجربه راکامل‌کرده و تحت تاثیر قرار می‌دهند. این موضوع به زیبایی شناسی محیطی این حق را می‌دهدکه به عنوان یکی از عوامل مهم زندگی انسان مورد توجه قرار گیرد. در واقع زیبایی شناسی محیطی پیوند چندحسی و فراگیر با محیطی است‌که انسان از اجزای طبیعی آن است. هنگامی‌که احساسات زیبایی یا تعالی در حد بالایی باشد، تجربه زیبایی‌شناسی محیطی می‌تواند بسیار قوی و دارای تحریکات ذهنی ارزشمندی باشد. زیبایی محیطی می‌تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطرافمان باشد که بیشترین حد آن در محیطی باکیفیات همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن است (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۲۵).

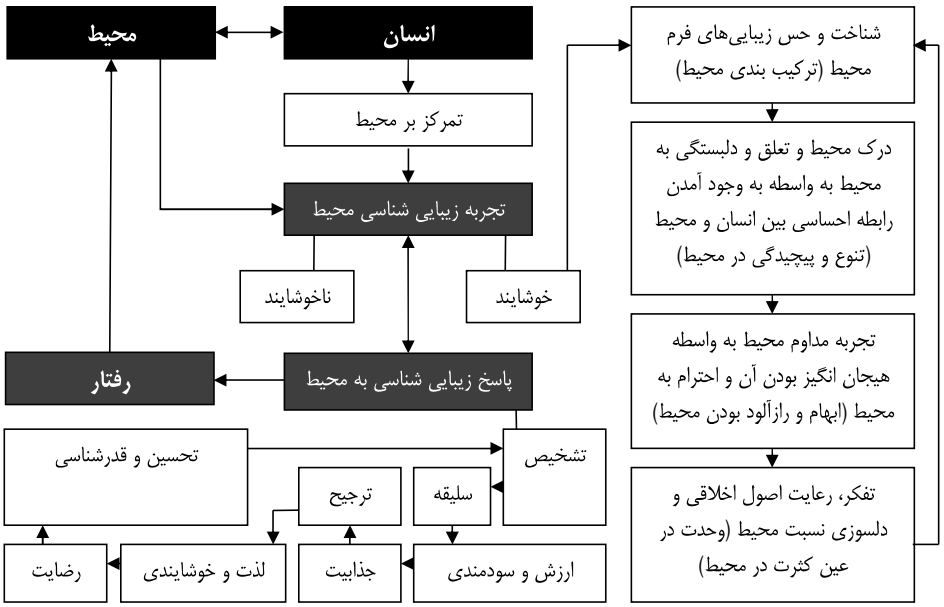
با توجه به آنچه‌گفته شد می‌توان اذعان‌کردکه زیبایی شناسی محیطی درصدد فراهم‌کردن چارچوبی است‌که بر اساس آن بتوان ارزش‌های‌کیفی وکمی محیط طبیعی و مصنوع را مورد نقد، بررسی و سنجش و آزمون قرار داد. در واقع درک و تحسین زیبایی محیط توسط انسان‌ها می‌تواند پایه و اساس مشترکی برای نجات انسان‌ها و سایر مخلوقات در محیط باشد (پورتیوس، ۱۳۸۹، ص ۱۲). از آنجاکه محیط پیرامون انسان درکلی‌ترین نگاه به محیط طبیعی و محیط انسان‌ساخت تقسیم می‌شوند، زیبایی شناسی محیطی نیز به عنوان زیبایی شناسی معطوف به محیط به زیبایی شناسی محیط انسان‌ساخت (فرآیند و روش‌های احساس و ادراک محیط انسان‌ساخت و تبیین موقعیت فرد در آن) و زیبایی شناسی محیط طبیعی (فرآیند و روش‌های احساس و ادراک محیط طبیعی و تبیین موقعیت فرد در آن) تقسیم میشود. در واقع زیبایی شناسی محیطی تنها ادراک

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

متوالی اشیای متفاوت نیست بلکه درک این موضوع است که چگونه الگوی محیط به عنوان یک کل دارای وحدت و همبسته درک شود. در زیبایی شناسی محیطی حس کلی زیبایی و و تعالی بیشتر به خصوصیات کلی بستگی دارد تا خصوصیات اجزای محیط. (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵-۱۱۶) از زیبایی شناسی محیطی به فرآیند «نائل شدن» به «بودن» در محیط (در تقابل با «داشتن» محیط) تعبیر می‌شود. یعنی برخورداری ازکیفیت زندگی (بودن در محیط) به جای استاندارد زندگی (داشتن محیط) از طریق توجه به‌کیفیت محیط (انجام دادن اعمال صحیح در محیط). فرآیند نائل شدن از داشتن به معنای انباشته شدن دارایی‌های مادی (که اغلب به طور متناقض باعث فقر در زندگی می‌گردد) که مستلزم برخورداری از میزان بالا یی از لذائذ نازل است آغاز شده و به سمت بودن یعنی جایی‌که برخورداری از دارایی‌های زیباشناسانه غیر مادی ارزش است در حرکت دائمی است. دارایی هایی‌که‌کیفی و پیچیده هستند مانند آثار هنری، هوای پاک، لذت خلاقیت و تجربه محیط های بکر. در زیبایی شناسی محیطی عامل طبقه اجتماعی در فرآیند نائل شدن به بودن نقشی غیر قابل انکاردارد. هر چندکه در آغاز هزاره جدید میلادی بخش عظیمی از شهروندان کشورهای بیشتر توسعه یافته از توجه صرف به استاندارد زندگی پا را فراتر نهاده و با مسائل مربوط به‌کیفیت محیط زیست طبیعی و مصنوع روبه رو شده‌اند و به سوی بودن در محیط در حرکت هستند. همچنین زیبایی شناسی محیطی شباهتی آشکار با سلسله مراتب مشهور نیازهای انسانی دارد که حدود یک نسل پیش توسط مازلو، روانشناس انسان‌گرا، مطرح شده‌است. هدف مازلو هموارکردن حرکت فردی و اجتماعی به سمت قسمت بالای هرم نیازهای انسانی، یعنی اوج به ثمر رسیدن خلاقیت است (پورتیوس، ۱۳۸۹، ص ۱۸-۲۴).

پانتر با پذیرش این نکته‌که طبق بندی در حوزه زیبایی شناسی محیطی مشکل است، ۳ پارادایم اصلی در حوزه زیبایی‌شناسی محیطی مطرح میکند. پارادایم اول، یعنی ادراک منظر بر روی ساز و کار این مطلب تمرکز می‌کندکه ما چگونه بر اساس ارتباط بین ادراک، فهم، ترجیح و اقدام منظر را درک می‌کنیم. در پارادایم دوم یعنی درک و تحسین منظر، معنا برجسته شده است و بیشتر به صورت‌کیفی با منظر به عنوان عاملی برای بیان فرهنگ، سبک زندگی و ارزش‌ها سر و کار دارد. پارادایم سوم‌که به عنوان رویکرد منظر یاکیفیت بصری شناخته می‌شود یک رویکرد زیبایی شناسی تجربی است‌که با

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014



نمایه ۲. تقسیم بندی انواع محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

کیفیت‌های حسی - زیبایی شناسی رسمی سروکار دارد، به ویژه منظر شهری، که مستقیماً در برنامه ریزی و طراحی شهری کاربرد دارد. (punter, ۱۹۸۲, p ۱۰۲). همچنین پورتیوس با در نظر گرفتن دو معیار دقت و ارتباط، چهار رویکرد واضح اما در هم تنیده در تحقیقات زیبایی شناسی محیطی تشخیص داده‌است. این پارادایم‌ها طیف متنوعی دارند. در یک سو رویکرد انسان‌گرایانه یا لغوی که بر لایه سطحی مسائل و در عین حال بر جنبه‌های شهودی و جستجوی قوانین جهان شمول تاکید داردکه در نتیجه باعث اجتناب از رابطه بی درنگ با عمل گرایی محیطی می‌شود. در سوی دیگر اندیشه‌ای که نهایت رابطه را طالب است و در قالب فعالان زیست محیطی شخصیت می‌یابد (با شعار همین حالا اقدام کنید) و در طرف دیگر نهایت دقت دانشمندان تجربه‌گرای علوم اجتماعی (با شعار: قبل از آنکه دنیا را تغییر دهیم باید ابتدا آن را بفهمیم) قرار دارند. همچنین برنامه‌ریزان محیطی (مدیران، طراحان، سیاست‌گذاران و ...) که با مسائل ناگهانی مواجه می‌شوند و در حال حاضر و معمولا موضعی علمی و توام با دقت دارند و یا آموزش‌های علوم اجتماعی راگذرانده‌اند در میانه طیف مذکور قرار می‌گیرند. (پورتیوس، ۱۳۸۹، ص ۲۸-۳۰) در همین زمینه بل معیارهای زیبایی شناسی محیط را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- تنوع و پیچیدگی که باعث تحریک حواس، کنجکاوی و تخیل، احساس اشتیاق و لذت‌کشف می‌گردد؛

۲- ترکیب بندی که چه در طبیعت و چه در آثار هنری و یا محیط کالبدی از عوامل پیدایش فرم زیباست؛ و

۳- ابهام که یکی از ویژگی‌های ادراکی است چه در عرصه طبیعت یا اثر هنری یا کالبدی موجب انگیزش و تنوع عواطف می‌گردد (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

در واقع چارچوب زیبایی شناسی محیطی، حاصل تعامل همه جانبه، دوطرفه و مداوم انسان با محیط و به تبع آن محصول بر هم کنش دو طرفه تجربه زیبایی شناسی محیط از سوی انسان با پاسخ زیبایی شناسی انسان به محیط است. این چارچوب چهار بعد، وجه یا زیر مجموعه اصلی دارد. بعد اول در لذت بردن از مناظر و حس زیبایی‌های فرمی منظر شهری خلاصه می‌شود. (با حواس پنج‌گانه سروکار دارد) بعد دوم دلبستگی، تعلق و عشق به محیط می‌باشد. (احساس) بعد سوم بحث معنویت و احترام به محیط است. (تجربه و هیجان) و در نهایت بعد چهارم بحث لزوم رعایت اصول اخلاقی در برخورد با محیط و دلسوزی برای محیط زیست طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی‌است. (فکر و ذهن) (نمایه شماره ۳) با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد شناخت و تحلیل یکپارچه بستر باعث تحکیم و تنظیم پیوند انسان و طبیعت شده و احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رودره‌ها (به عنوان عنصری از منظر شهری طبیعی) را به دنبال خواهد داشت.

روش‌های شناخت و ارزیابی الگوهای طبیعی در منظر شهری

گفته شده است که ساختار منظر شهری، حاصل توزیع هم بسته لکه‌ها و کریدورها در بستر ژئودزیک شهر است که ویژگی‌های این مولفه‌های طبیعی مبین وضعیت ساختاری آن می‌باشد (یاوری و دیگران، ۱۳۸۳)؛ از اینرو بوم شناختی منظر شهری طبیعی، مطالعه و استفاده از اطلاعات مربوط به الگوها و فرآیندهای اکولوژی و چگونگی تداخل آن‌ها با شکل زمین (در اینجا منظر شهری) در مقیاس مختلف است (بل، ۱۳۸۶، ص۲۷۴-۲۷۳) این الگوهای طبیعی در منظر شهری می‌توانند شامل توپوگرافی، پوشش و جنس زمین، آبراه‌ها سطحی و زیرزمینی، مسیل‌ها و حاشیه رودخانه‌های فصلی و دائمی، نوع خاک، شیب‌های تند، جنگلها و درختزارها، گونه‌های گیاهی و جانوری، نوع اقلیم و آب و هوا و ... باشند. روش‌های گوناگونی برای شناخت و ارزیابی الگوهای طبیعی وجود دارد. چراکه همواره شرایط محیطی تعیین‌کننده روش‌شناسی می‌باشد و نمی‌توان از قبل، روش‌شناسی خاصی را برای انجام مطالعه‌ای خاص، بدون بررسی‌های اولیه منطقه مطالعاتی، در نظر گرفت. در جدول شماره ۲ برخی از مهم‌ترین روش‌های شناخت و ارزیابی منظر طبیعی معرفی شده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

جدول ۲. روش‌های شناخت و ارزیابی الگوهای طبیعی در منظر شهری؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از (بهرام سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱-۱۷۹) (شفیعی، ۱۳۸۰)، (شفیعی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۴)

نام روش	مفهوم و چگونگی عمل
جغرافیای گیاهی	این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مقیاس مطالعات کلان باشد. در این روش سلامت رویش طبیعی و دست‌نخوردگی آن یکی از پیش‌فرض‌های اولیه به شمار می‌آید. هرچند در اینجا رویش طبیعی نقش اصلی را ایفا می‌نماید، لیکن می‌بایست به بررسی سایر عوامل بیجان و جاندار نیز توجه کامل نمود. سلسله مراتب مطالعات (سلسله مراتب اکولوژیک) همواره به صورت زیر است:شناخت اقلیم با کلیه ویژگی‌های آن، شناخت آب‌های سطحی و زیرزمینی و کلیه ویژگی‌های آن، شناخت ساخت زمین‌شناسی و کلیه ویژگی‌های آن، شناخت پوشش خاک و کلیه ویژگی‌های آن، شناخت ساخت توپوگرافیک و واحدهای کلان فیزیوگرافیک. در این روش تحلیلی از چگونگی روابط متقابل عوامل بیجان با یکدیگر ارائه شود. این تحلیل به درک هرچه بهتر چگونگی تکامل عوامل جاندار- رویش طبیعی و حیات‌وحش یا به طور کلی اجتماع زیستی- کمک می‌نماید. سپس بر مبنای این تحلیل است که، می‌توان روابط سیستمیک موجود میان اجزا تشکیل‌دهنده سیستم اکولوژیک مورد مطالعه را شناسایی و در نهایت به ساخت «مدل اکوسیستم» منطقه مبادرت نمود. مدل باید توانایی نشان دادن امکانات، محدودیت‌ها و قابلیت‌های محیط را دارا باشد. با تکیه بر مدل اکوسیستم منطقه، برنامه‌ریزان می‌توانند به سهولت دریابند که، توانایی محیط برای بارگذاری تا چه میزانی است و اگر قرار باشد که، برنامه‌ریزی و در پی آن طراحی سازگار با محیط به انجام رسد، مدل تهیه شده بهترین مبنا برای حرکت در این زمینه می‌باشد.
ناحیه‌شناسی گیاهی	ناحیه گیاهی محدوده‌ای است که در درون یک منطقه گیاهی قرار گرفته- لذا از آن کوچکتر است- و خود را از طریق رویش طبیعی و اجتماع گیاهی ویژه، از سایر نواحی گیاهی متمایز می‌سازد. قاعده مربوط به اصالت رویش در اینجا نیز رعایت می‌گردد. به بیان دیگر و به طور خلاصه، نخست باید اطمینان حاصل نمود که، ناحیه گیاهی انتخاب شده، از رویش طبیعی خاص خود برخوردار بوده و اجتماعات گیاهی مهاجم یا Invasive ریشگاه گیاهان اصلی را اشغال ننموده‌اند. در این صورت می توان، برای گام نخست، ناحیه گیاهی را به عنوان محدوده برنامه‌ریزی برگزید. سایر مراحل مانند مراحل روش جغرافیای گیاهی صورت می‌گیرد.
جامعه‌شناسی گیاهی	در طبیعت گیاهان نه به تنهایی و به صورت مستقل، که در اجتماع و با گونه‌های هم‌نوع و دیگر گونه‌های گیاهی زندگی کرده و از این طریق «اجتماعات گیاهی» را تشکیل می‌دهند. بررسی گونه‌ها و ترکیب آنها، ساختار اجتماعی، علل شکل‌گیری اجتماعات در رویشگاهی خاص، توزیع و پراکندگی فضایی این اجتماعات گیاهی و بسیاری دیگر از این قبیل در زمره اهداف جامعه‌شناسی گیاهی می‌باشد. در مورد استفاده از روش جامعه‌شناسی گیاهی جهت انجام تقسیمات فضایی، می‌بایست به چند نکته توجه نمود: توجه به اصالت رویش، به دلیل زمان‌بر بودن تحقیقات جامعه‌شناسی گیاهی (حداقل یک سال) و پیشینه بسیار ضعیف آن در ایران، تنها در شرایط خاص- برای مثال وجود پوشش گیاهی بسیار متنوع در محدوده مطالعاتی- می‌توان از آن استفاده نمود و استفاده از این روش تنها برای پروژه‌های کوچک مقیاس توصیه می‌شود.
ژئومرفولوژیک	یکی از روش های مرسوم در مطالعات محیط‌زیست با هدف انجام تقسیمات فضایی و نیز برنامه‌ریزی استراتژیک است. زمانی که از منظر محیط به عنوان یکی از عوامل طبقه‌بندی و تیپ‌بندی فضایی بیوسفر استفاده می‌شود، الزاماً می‌بایست شکل زمین نیز به عنوان بازتابی از فرآیند تکامل چشم‌انداز طبیعی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. در چارچوب این روش، منظور از شکل زمین عبارت است از ساختار پیکربندی زمین، پوشش خاک (پدوسفر) و لایه زیرین آن (لایه هوادیده و تخریب فیزیکی شده، سنگ مادر) و ویژگی‌های سنگ‌شناختی منطقه مطالعاتی. شکل زمین از طریق حضور خود به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

	عنوان عامل تنظیم کننده (در مفهوم سیستم آنالیز) بودجه چشم‌انداز عمل می‌نماید. شکل زمین به تشکیل سری خاک‌ها یا Catene (خاک‌های هم سن که از سنگ مادر مشابه و در شرایط اقلیمی یکسان به وجود آمده، ولی عوارض طبیعی و زهکشی آنها متفاوت است) کمک کرده، تفکیک فضایی حوزه‌های آبی را مشخص می‌سازد، بر میکرو کلیما موثر افتاده که این عامل خود مجدداً بر بودجه آبی حوزه‌ها تاثیر گذاشته و عامل اخیر در هدایت، توزیع و گسترش عوامل جاندار نقشی جدی ایفا می‌نماید. کارکردهای ذکر شده درباره شکل زمین در قالب واحدهای فضایی هر یک دارای محتوایی متفاوت می‌باشند، در محیط بازتاب می‌یابند.
مبتنی بر سازماندهی و مدیریت یکپارچه حوزه‌های آبی	حوزه‌ها و زیرحوزه‌های آبی نیز می‌توانند مبنای تقسیمات فضایی قرار گیرند. اکثر مطالعاتی که در ایران به انجام رسیده است، خصوصاً در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی، بر همین اساس صورت گرفته است. آنچه در مطالعات ایرانی مورد توجه قرار نگرفته، ویژگی‌های یکپارچگی حوزه است و به همین سبب در نتیجه اجرای برخی از طرح‌ها و پروژه‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر وضعیت زیست‌محیطی حوزه یا زیرحوزه‌های آبی وارد آمده است. تا جایی که به تقسیمات حوزه‌ها و زیرحوزه‌های یک حوزه کلان برمی‌گردد، روش رایج استفاده از یال ارتفاعات جهت تعیین محدوده حوزه‌ها می‌باشد. سایر مراحل مطالعاتی مانند گذشته، با بررسی عوامل بیجان و جاندار شروع و به تحلیل اکولوژیک محیط منتهی می‌شود. نکته مهم و قابل توجه در اینجا، ضرورت ادراک فضای برنامه‌ریزی و طراحی به عنوان فضا و محیطی یکپارچه است. تحقق این ضرورت نیازمند تغییر نگاه مهندسی، از مهندسی خطی، تک‌ساحتی و بخشی و تبدیل آن به نگاه و شیوه تفکر سیستمیک و همه سو نگر است. مبانی نقد مهندسی تک‌ساحتی را می‌توان در سرفصل‌های زیر خلاصه نمود: عدم توجه به ساختار سیستمیک بیوسفر زمین، عدم توجه به ساختار اکولوژیک حوزه آبی، عدم توجه به عوامل طبیعی به عنوان زیرسیستم‌های اکوسیستم حوزه، عدم توجه به روابط متقابل میان عوامل تشکیل‌دهنده ساختار اکولوژیک حوزه، عدم توجه به رسمیت نشناختن کاربری‌های طبیعی.
بوم‌شناسی	بنیان‌گذاران بیوم‌شناسی تحت عنوان بیوم، رویشگاه مستقر در یک فضای طبیعی خاص، به انضمام کلیه گونه‌های جانوری وابسته به آن را مد نظر قرار می‌دادند. در تعریف بیوم گفته شده است زمانی که منظورمان فقط اجتماع گیاهی است، از اصطلاح فرماسیون و زمانی که هم اجتماع گیاهی و هم اجتماع جانوری وابسته به آن است، از اصطلاح بیوم استفاده می‌کنیم. بر این مبنا اصطلاح بیوم دلالت بر وجود یک اجتماع زیستی کلان دارد. در مناطق مختلف، اقلیم‌های منطقه‌ای با موجودات زنده و بستر زیست آنها در کنش و واکنش هستند که در نتیجه آن واحد بزرگی از اجتماع‌های زیستی به نام بیوم به وجود می‌آید. از آنجا که شکل رویش پوشش گیاهی از یک طرف اختصاصات مهم اقلیم و از طرف دیگر ماهیت ساختمانی بستر زیست جانوران را مشخص می‌سازد، می‌تواند به عنوان وسیله‌ای منطقی برای رده‌بندی سیستم‌های اکولوژیک مورد استفاده قرار گیرد.
ارزیابی توان اکولوژیک	ارزیابی توان اکولوژیک یکی از روش های ارزیابی سرزمین به منظور تعیین توان طبیعی آن است. در این روش، کلیه منابع اکولوژیکی با مشخصه های سطحی یا نزدیک به کره سرزمین(شیب، خاک و پوشش گیاهی) به صورت دو بعدی تعیین می شوند و به سختی منعکس کننده آنچه به واقع روی زمین وجو دارند، می باشند. به منظور تکمیل این روش و در نظر گرفتن ارتباط بین واحد ها و تطبیق خروجی ها با واقعیت، از روش ارزیابی و تحلیل منظر(سیمای سرزمین) استفاده می‌شود. در این روش کلیه منابع و مشخصه های طبیعی و انسانی یک جا در نظر گرفته می‌شود و کار تحلیل و تفسیر بر اساس شناخت عناصر ساختاری منظر (لکه ها و دالان ها و ماتریس) و لکه بندی و آرایش آن ها، به صورت تحلیل فضایی (سه بعدی) انجام می‌گیرد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

ارزیابی سلامت اکولوژیکی	سنجش و ارزیابی سلامت بوم شناسی باید بخش اساسی در طراحی پروژه های بزرگ مقیاس مرمت منظر باشد. فاکتورهای اصلی در «ارزیابی جامع سلامت بوم شناسی» منظر شامل موارد زیر است: تنوع گونه ها: عموماً منظر سالم ظرفیت حمایت از رده های کامل و تعریف شده از گونه های گیاهی و جانوری را داراست. پویایی: منظر بوم شناسی که بستری برای جابه جایی گونه های متنوع خود باشد و همچنین قدرت بازسازی خود را پس از ایجاد آشفتگی در آن داشته باشد. باروری: منظر بوم شناسی سالم تنوعی از گونه ها و رده های مختلف باروری را ایجاد می کند. بهینه سازی: مناظر بوم شناسی سالم عموماً آب، خاک، مواد مغذی (و انرژی) را در خود حفظ و ذخیره کرده و به کندی این منابع را در طبیعت رهاسازی می کنند. ارزش های حیاتی طبیعی: اکوسیستم ها طبیعی دارای ذخایر ژنتیکی، رفتاری و دیگر ویژگی های پایداری هستند. در این میان ارزش های حیاتی طبیعی می توانند به شکل تکه ای چوب برای استفاده ی انسان یا موریانه ظاهر شوند، آب پاک برای آبزیان و انسانها، چرخه ی اکسیژن و هوای پاکیزه برای تنفس نیز نمونه هایی از ارزشهای حیاتی طبیعی منظر هستند.
ارزیابی استراتژیک محیط زیست	در این چارچوب، هم پیامدهای اکولوژیک و هم آثار اجتماعی و اقتصادی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. هدف استفاده از این ابزار توجه به جنبه‌های محیط زیستی به هنگام تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها، هم تراز با جنبه‌های اجتماعی و به ویژه اقتصادی می‌باشد. ارزیابی استراتژیک محیطزیست نوعی فرآیند محسوب می‌شود که از سلسله اقدامات متوالی تشکیل یافته است؛ ارزیابی گزینه‌های مختلف برای هر یک از برنامه‌ها و طرح‌ها، تهیه گزارش محیطزیست، اعلام تصمیم نهایی و پایش، جملگی از اجزاء اصلی ارزیابی استراتژیک محیطزیست محسوب می‌شوند. به ویژه مشارکت لایه‌های اجتماعی صاحب‌نظر و متخصصین بی‌طرف، نشان‌دهنده ابعاد دموکراتیک این شیوه تصمیم‌گیری می‌باشد. این فرآیند، به طور بسیار خلاصه از مراحل زیر تشکیل یافته است: غربال یا Screening: تبیین ضرورت‌ها و الزامات انجام SEA. تعیین عمق، دامنه مطالعات و محدوده مطالعات یا Scoping: تشریح و تعیین محدوده مطالعاتی. تدوین «گزارشات محیطزیست» توسط «نهاد مجری طرح» پایش یا Monitoring: نظارت بر اثرات ناشی از اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها، مشاوره: معرفی و تشریح طرح، گزارش محیطزیست و سایر اسناد طرح برای عموم و نهادهای مرتبط با محیطزیست و ادغام نظریات نهادهای مرتبط با نحیطزیست و جامعه در تدوین برنامه نهایی.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

تحلیل ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران

عناصر اصلی بستر رود دره دارآباد شامل محور رودخانه، ارتفاعات،کوه، دره و تپه‌های دارآباد و لکه‌های طبیعی مربوط به آن، پوشش‌های گیاهی رودکناری و منظر طبیعی بکر و منظر شهری طبیعی پیرامون رودخانه، هسته روستایی و شهری سکونتی، بیمارستان مسیح دانشوری، پهنه درشت دانه نظامی، محور حرکتی پورابتهاج، فضاهای خالی و دست‌نخورده و باغ‌ها و لکه‌های سبز قدیمی هستند. ارزیابی الگوهای محیط طبیعی و انسان‌ساخت در محدوده رود دره دارآباد نشان می‌دهد که ارزش‌هایی چون بافت مسکونی ارگانیک، باغ‌ها و فضای سبز، وجود عناصر طبیعی رودخانه و فضای سبز و باز کوهستانی علاوه بر مزایای محیط زیستی، پتانسیل‌های گردشگری و تفریح را برای این محدوده فراهم ساخته است. در بخش قدیمی محله دارآباد مهاجرپذیری و توسعه ساخت و سازها به صورت رسمی و غیررسمی و غیرمجاز مشاهده می‌شود. بسیاری از مجتمع‌های مسکونی جدید نیز بدون توجه به فرم طبیعی زمین و ظرفیت معابر اطراف ساخته شده یا در حال ساخت می‌باشند. پیشروی ساختمان‌ها تا لبه رودخانه و دره سبب شده‌که فرصت استفاده از پتانسیل گردشگری در حاشیه رودخانه و دره با مشکل مواجه شود. بستر رود دره دارآباد به ۳ لکه اصلی کوهستانی- طبیعی، نیمه شهری- طبیعی و شهری- طبیعی تقسیم می‌شود. رود دره دارآباد در تمامی‌بخش‌ها (کوهستانی، طبیعی و نیمه شهری و شهری) دارای پوشش گیاهی مناسب است. بر اساس

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

جدول ۳. تحلیل یکپارچه ویژگی‌های محیط طبیعی و انسان‌ساخت بستر رود دره دارآباد تهران؛ ماخذ: نگارندگان.

تحلیل وضع موجود	امکانات و فرصتها	محدودیت‌ها و تهدیدها
○ وجود سه قطعه غیر همگن (کوهستانی، رود دره‌ای و فلات کاملا شهری شده) از نظر ویژگی‌های زیستی، غیر زیستی و فرهنگی. ○ وجود پوشش‌های گیاهی طبیعی و انسان‌ساز. ○ تغییر شکل رودخانه و آلوده‌شدن فراوان آن در بخش جنوبی (شهری). ○ تغییر شکل و مسدود شدن حاشیه رودخانه در اثر ساخت‌وساز بی‌رویه. ○ تمرکز پوشش گیاهی متراکم‌تر در قطعات شمالی محدوده مورد مطالعه. ○ تمرکز ساخت و سازها در قطعات جنوبی. ○ وجود مناظر طبیعی، نیمه‌طبیعی و شهری در حاشیه رودخانه. ○ تغییر سیمای منظر حاشیه رودخانه و افزایش آلودگی‌ها و مناظر ناخوشایند از شمال به جنوب. ○ تغییر سیمای طبیعی حاشیه و کف رودخانه با تبدیل شدن آن به کانال در بخش جنوبی سیمین قلعه (بدنه و کف بتونی). ○ تخریب و خشک شدن باغات حاشیه رودخانه به‌دلیل عدم توجه و رسیدگی. ○ دفع فاضلاب‌های شهری و زباله در رودخانه و حاشیه آن. ○ عدم وجود مسیر پیاده پیوسته در حاشیه رودخانه بخصوص در	○ برخورداری از پوشش گیاهی و دید مناسب به کوه و رودخانه به‌ویژه در قطعات شمالی. ○ وجود جاذبه‌ها و مناظر طبیعی مانند قطعات سبز طبیعی، آبشار، دره، کوه و .... ○ ترکیب مناظر دره‌ای و کوهستانی در دیدهای جنوب به شمال. ○ وجود قطعات باقیمانده باغ‌ها در حاشیه جنوبی رودخانه. ○ وجود مناظر متنوع با ترکیب درختان و دره به‌خصوص در قطعات شمالی. ○ وجود فضاهای باز باقیمانده در غرب و بالاخص شرق حاشیه رودخانه در بخش مسکونی. ○ بکر و دست نخورده بودن رودخانه در حاشیه شمالی. ○ وجود آب کافی(رودخانه) در بیشتر فصول سال جهت توسعه فضای سبز. ○ وجود مصالح بومی و طبیعی جهت کاربرد در توسعه فضاهای باز و نماسازی. ○ وجود خاک مناسب به عمق کافی جهت توسعه فضای سبز. ○ وجود گیاهان بومی مناسب جهت تکثیر و استفاده در توسعه‌ی فضای سبز. ○وجود پتانسیل گردشگری و شرایط تفرج ○حضور رودخانه، چشمه، کوه و دره با دید خوب به سمت شهر. ○حضور بخشهای بکر و دستنخورده ○ وجود خاک مناسب جهت درختکاری ○ وجود آب شیرین ○ تنوع شرایط محیطی با توان و تناسب متنوع ○ دسترسی نسبتاً خوب محلی و شهری ○ امکان ایجاد مسیر پیاده در دو طرف رودخانه	○ تبدیل رودخانه به کانال و از بین رفتن منظر طبیعی حاشیه ودخانه در قسمت جنوبی. ○ توسعه ساخت‌وسازها تا لبه رودخانه و محدود شدن دید و دسترسی به حاشیه رودخانه. ○ انباشت زباله در حاشیه رودخانه و کاهش ارزش کیفیت بصری. ○ ریخته‌شدن پساب ساختمان‌ها به رودخانه و کاهش ارزش بصری و کیفی منظر. ○ دیواره‌سازی و بسترسازی نامطمئن و ناهماهنگ با منظر طبیعی و تخریب حاشیه طبیعی رودخانه. ○ بی‌توجهی به نمای ساختمان‌ها از سمت مشرف به رودخانه. ○ افزایش آلودگی آب رودخانه و کاهش حجم آب آن، تیرگی و گل‌آلود شدن آب و کاهش ارزش بصری و روان‌شناختی آن. ○ اغتشاش خط آسمان از جهات گوناگون شرق به غرب، غرب به شرق و جنوب به شمال. ○ عدم توجه به *Land mark* های طبیعی و مصنوعی در بافت مسکونی. ○ بی‌هویتی ساخت و سازهای جدید. ○حضور آلودگی‌های جامد و مایع ○حضور مالکیت خصوصی و تعدی به حریم رودخانه ○ شرایط تهویه محدود در درون مسیل به خصوص در طی زمستان و شب‌ها ○ تهاجم توسعه شهری ○ حضور شرایط سانحه خیزی نظیر سیل ○ تغییر و تخریب شکل زمین، گیاهان و محیط و منظر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

قسمت شهری. ○ بخش شهری به دلیل ساخت و ساز بی‌ضابطه تا حریم رودخانه باعث آلودگی و تخریب فیزیکی بستر رودخانه شده است. ○ توسعه ساخت و سازها در بخش شهری موجب محصور شدن کامل رودخانه و عدم دسترسی به آن در قسمت‌های زیادی شده است. ○ بخش نیمه طبیعی رود دره در اثر استفاده بی‌ضابطه و غیر اصولی گردشگران دچار آلودگی محیط و تخریب پوشش گیاهی گردیده است و این روند با افزایش گردشگران تشدید شده است. ○ ریخته شدن زباله‌ها و رها شدن پسآب واحدهای مسکونی در رودخانه باعث آلودگی شدید آب رودخانه در پایین دست گردیده است. ○ بخش شهری به لحاظ آلودگی‌های شهری و جذب مخاطرات زیست محیطی، به شدت در حال تخریب و افزایش یافتن آلاینده‌ها می‌باشد.	○ وجود دامنه‌های آفتابگیر و سایه‌دار ○ آسایش اقلیمی برای پیاده‌روی در اکثر ساعات روز ○ کیفیت مطلوب دید و منظر در ارتباط با شهر، کوه، دره و رودخانه ○ وجود عرصه‌های درختکاری تازه کاشت نسبتاً گسترده با سیستم آبیاری قطره‌ای در بخش کوهستانی (توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور) ○ وجود جوامع درختی رودکناری با درختان با ارزش بید، صنوبر، چنار، عرعر و زبان گنجشک. ○ وجود باغهائی با درختان ماندگار فضای سبز نظر چنار، گردو،توت، انجیر و کاج. ○ وجود اراضی باز بدون کاشت هم در پهنه طبیعی و هم در پهنه شهری ○ امکان استفاده از روشهای مختلف جهت تثبیت خاک اراضی شیبدار و بدون کاشت دره ○ امکان ایجاد باغ‌های سنگی در برخی عرصه‌های محدوده مورد مطالعه ○ وجود آب و خاک مناسب جهت توسعه فضای سبز و پوشش گیاهی ○ وجود گونه‌های بومی مناسب جهت توسعه پوشش گیاهی محدوده مورد مطالعه	○ نامشخص بودن حریم رودخانه و عدم رعایت قوانین و ضوابط مربوطه ○ روند فزاینده تخریب و تغییر شکل اراضی کوهستانی و دره‌ای از شمال به جنوب ○ وجود محدودیت‌های طبیعی مانند رخنمون‌های سنگی فرسایش خاک، شیب زیاد و عمق کم خاک در بعضی از قسمت‌ههای محدوده مورد مطالعه. ○ برهم خوردن بافت و ترکیب خاک در قسمت شهری رود دره به دلیل ریختن زباله و پساب و نامناسب شدن آن جهت رشد گیاه ○ آلوده شدن آب رودخانه در اثر ریختن زباله و پساب بخش شهری ○ عدم رعایت حریم مناسب جهت ساخت و ساز در بخش شهری و از بین رفتن پوشش طبیعی رودکناری ○ مالکیت خصوصی باغهای با ارزش رود دره در بخش شهری و عدم رسیدگی مالکین به این باغها ○ عدم تناسب در دید و منظر عمومی درختکاری شده به واسطه تکرار یکنواخت و کسل کنند سوزنی برگان بویژه سرو نقره‌ای.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

پارامترهای شیب، جهت، خاک، شکل زمین محدوده مورد مطالعه به سه قطعه همگن طبیعی، همگن نیمه طبیعی و همگن کاملاً اختلالی قابل تقسیم است. در جدول شماره ۳ تحلیل یکپارچه محدودیت‌ها ـ تهدیدها و امکانات ـ فرصت‌های رود دره دارآباد که ارزش‌های زیبایی شناسانه محیطی این فضای عمومی‌شهری را تحت تاثیر قرار داده‌اند تدقیق شده است.

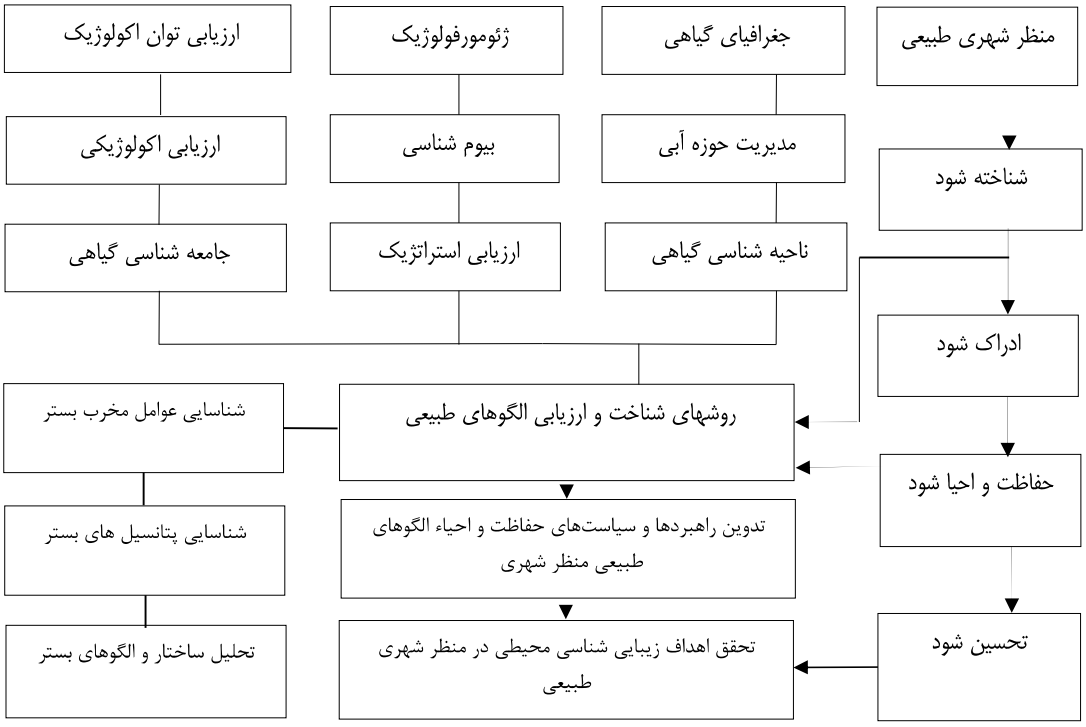
نتیجه گیری و جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد پیوند و ارتباط مداوم ساکنین شهرها با طبیعت و مناظر شهری طبیعی، می‌تواند موجبات سرزندگی و پویایی اجتماعات بشری را فراهم آورد. در عصر حاضر و به دنبال شتاب گرفتن روند نابودی، تخریب و زوال منابع محیط زیستی انسان، ضرورت حفاظت و احیاء ارزش‌های زیبایی شناساسی محیطی و جلوگیری از روند تخریب مناظر، بسترها و چشم‌اندازهای طبیعی و ساماندهی این گستره‌های هویت‌بخش بیش از هر زمان دیگری به دیده می‌آید. درک نامحدود، دلپذیر و خلاق، آگاه شدن از ماهیت حقیقی محیط و طبیعت، کلید اصلی فرآیند زیبایی‌شناسی محیطی است. در فرآیند زیبایی‌شناسی محیطی با ارزش‌های زیباشناختی، فرآیندها و الگوهای طبیعی و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

فرهنگی در جهت کشف زیبایی آنها ارتباط برقرار می‌شود. این ارتباط شامل ادراکات پایه انسان از چرخه ساختار منظر شهری طبیعی است. در واقع اگر انسان بتواند منظر شهری طبیعی را معناکرده و موقعیت خود را در آن تعیین و فرآیندهای مربوط به آن را ادراک کند، عالی‌ترین درجه زیبایی شناسی محیطی را تجربه کرده است. حفاظت و احیا ارزش‌های زیبایی شناختی مناظر و بسترهای طبیعی در منظر شهری، با بهره‌گیری از نتایج حاصل از تحلیل خصوصیات عمده و مهم محیطی بسترهای طبیعی، فرآیند ادراک و تحسین این گستره‌های طبیعی را برای انسان تسهیل کرده و اهداف اصلی زیبایی شناسی محیطی را محقق خواهد کرد. (نمایه شماره ۴)

همچنین به نظر می‌رسد ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره‌های شهر تهران، اگر به درستی حفاظت و احیاء شوند و با نیازهای انسان امروز همگام گردد نه تنها تعادل و توازن محیط زیستی از دست رفته شهر تهران را به آن باز می‌گردانند، بلکه می‌توانند آرامش و آسایش روحی و روانی را در عرصه‌ای عمومی و بستری اجتماعی زنده و پویا، به شهروندان عرضه نماید. در زمینه احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد تهران ابتدا باید اذعان کرد که دسترسی اصلی به رود دره دارآباد تنها از طریق خیابان پورابتهاج فراهم است. دسترسی پیاده به درون بستر رود دره از جبهه شمال غربی امکان پذیر است و از طرف شرق به هیچ وجه امکان دسترسی پیاده و سوار وجود ندارد. ارتباط عرضی دو لبه رودخانه در قسمت بالا دست تنها در دو نقطه ممکن است و در پهنه نیمه شهری و شهری تنها در دو نقطه در (خیابان پورابتهاج) برای سواره و چند نقطه برای پیاده در درون بافت میسر می‌باشد و ارتباط فیزیکی و بصری بین دو طرف رودخانه خصوصاً در بخش شهری ضعیف به نظر می‌رسد. فضای رودخانه در پهنه شهری بیشتر بجای فضای حایز اهمیت برای بهره‌گیری از دید و منظر آن به فضایی برای تخلیه زباله و فاضلاب مبدل گردیده است و کمتر پنجره‌ای بسوی آن باز شده است. بدنه سازی ضعیف و تخریب شده و تجاوز بیش از حد به حریم رودخانه درکنار رسوب‌های جمع‌آوری شده از سنگهای توف خرد شده در پایین دست به همراه احتمال لغزش و



نمایه ۴. نقش احیاء ارزش‌های زیبایی شناختی درفرآیند تحسین منظر شهری طبیعی؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

رانش زمین احتمال بروز خطرات ناشی از سیل را دو چندان می‌کند. این موضوع از مهمترین تهدیدها در محدوده مورد مطالعه محسوب می‌شود. از دیگر موارد قابل ذکر اغتشاش در مالکیت اراضی است. این موضوع نیز محدودیت و تهدیدی جدی برای توسعه و احیاء ارزش‌های زیبایی شناختی این رود دره به شمار می‌آید. بخش شهری و نیمه شهری دارآباد به دلیل ساخت و ساز بی رویه و ضابطه تا حد حریم رودخانه‌ی دارآباد رودخانه را به عنوان محیط طبیعی از بین برده است و بخشی از آن را به صورت فضایی محدود در بین ساختمانها در آورده است. به دلیل عدم وجود حریم مشخص در اطراف رودخانه، بخشی از فضا غیر قابل عبور شده و بخش‌هایی نیز تخریب و رها شده و به محل تخلیه نخاله‌های ساختمانی و زباله‌ها تبدیل شده است. این بخش به دلیل آلودگی‌های حاصل از ریختن فاضلاب خانه‌ها، بیمارستان و تخلیه‌ی زباله‌ها محل مناسبی برای حضور موجودات موذی و تولید مثل بی رویه آنها، همچنین تولید بوی متعفن از آب و زباله آلوده‌گردیده است و روند آلاینده‌های محیطی در این بخش رو به افزایش است. در بخش کوهستانی و طبیعی، رود دره‌ی دارآباد کمتر مورد تعرض و آسیب قرارگرفته است، اما با رها سازی زباله‌های جامد و نیمه جامد توسط گردشگران در رودخانه و سایت، که به دلیل عدم سازماندهی سیستم جمع‌آوری زباله صورت می‌گیرد، منطقه را با خطر آلودگی بیشتر مواجه شده است. در قسمت کوهستانی، که مورد استفاده گردشگران و کوهنوردان قرار دارد، ارزش‌های زیبایی شناسانه کاملاً طبیعی به چشم می‌خورد. ارزش‌هایی چون چشمه‌ها، تنوع گونه‌های گیاهی، جریان آب، وجود سنگ به عنوان مصالح بومی، چشم اندازهای بخش‌های کوهستانی و تنوع خط‌الرأس‌های کوهستان (خطوط آسمان)، تنوع بافت بدنه‌ها، تنوع رنگی و ترکیب آنها، ارتباط آب و سنگ، آبشار، حوضچه‌ها. از اینرو هرگونه پروژه توسعه در این بخش بایستی بر اساس حفظ شرایط طبیعی انجام گیرد و باکمترین دخالت، در جهت تقویت و توسعه ارزشهای زیباشناختی طبیعی باشد. بدین منظور بایستی از آب، انواع گیاهان بومی‌موجود در منطقه و گیاهانی که با هدف تنوع گونه‌های گیاهی و متناسب با مناظر طبیعی و اقلیم منطقه باشد، استفاده بهینه به عمل آید. همچنین استفاده از رنگ، احجام و بافت طبیعی جهت نمایان ساختن نقاط عطف در محدوده‌ها بایستی مورد نظر قرار گیرد. اقدامات در بخش نیمه شهری، که مورد هجوم ساختمان سازی و برج سازی قرارگرفته است، به‌گونه‌ای است‌که خط آسمان در حال تخریب و دید به‌کوهستان در حال مسدود شدن است. بنابراین باید اقداماتی با هدف جلوگیری از روند این تخریب انجام شود تا به حفظ ارزشهای باقی مانده کمک کند. لازم است فضاهای باز باقیمانده در حاشیه رودخانه در این بخش، برای توسعه فعالیت گردشگری باکاربری سبز تثبیت شود. در صورت امکان برای هویت دادن به ساخت و سازهای جدید از دیواره سازی‌ها و یا کاشت درختان پوشش‌دهنده و ... بهره‌گرفته شود. در بخش شهری رود دره دارآباد امکان استفاده از ارزش‌های زیبایی شناسانه از طریق ایجاد پیاده راه دوستدار طبیعت عملا با مشکل مواجه شده‌است. چرا که تمرکز ساخت و ساز، اشغال حریم رودخانه و قطع شدن مسیر اطراف را به دنبال داشته است. همچنین منظره طبیعی رودخانه در قسمت پایین‌تر از سیمین قلعه مورد تهاجم قرارگرفته و به صورت کانال بتنی درآمده است. ریخته شدن زباله، زائدات ساختمانی و فاضلاب واحدهای ساختمانی به رودخانه، ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد را مورد تهدید قرار داده است. قسمتی از باغهای قدیم در این بخش به صورت نیمه خشکیده و رها شده باقیمانده‌اند. ضروری است پروژه‌های احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی رود ـ دره دارآباد تهران به‌گونه‌ای طراحی شوندکه در بخش شهری بستر رودخانه و باغ‌های اطراف آن به سبز راه و پارکهایی در حد واحد همسایگی تبدیل شود. اصلاح و بهینه‌سازی منظره اطراف کانال بتنی، ساماندهی فاضلاب رودخانه‌ها و جداسازی آن، طراحی کف رودخانه برای جلوگیری از شسته شدن، بدنه سازی رودخانه در بخش شهری با استفاده از دیوارها با بافت طبیعی (سنگ و گیاه) و احداث آب بندها باید از اهداف پروژه‌های احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی رود دره دارآباد باشد. از اینرو راهبردهای زیر می‌توانند در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی محیطی این رود دره مفید باشند: استفاده از عناصر، مواد و گیاهان بومی‌در طراحی منظر جهت هماهنگی با طبیعت بکر محدوده؛ توجه به نیازهای اکولوژیک عوامل زنده نظیر گیاهان در طراحی منظر؛ حفظ بستر طبیعی رودخانه و احیای نواحی تخریب شده؛ حداقل مداخله در بخش‌های طبیعی دره؛ جلوگیری از بلندمرتبه سازی در حاشیه رودخانه به منظور حفظ حریم رودخانه؛ رعایت مقیاس و تعدیل خط آسمان؛ نفوذ دادن طبیعت به داخل بخش‌های مسکونی؛ استفاده از مصالح بومی‌در نمای ساختمان‌ها به‌خصوص در حاشیه رودخانه؛ تعیین توان بالقوه طبیعی جهت گسترش فضای سبز؛ رعایت مقیاس، زمان و تنوع فصلی درکاشت درختان؛ سامان دهی باغ‌های حاشیه رودخانه در بخش شهری؛ استفاده ازگیاهان بومی‌منطبق با شرایط طبیعی حاکم بر منطقه؛ ساماندهی حاشیه رودخانه در بخش شهری و پاکسازی زباله‌ها؛ تعیین و اجرای ضوابط جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست؛ ایجاد تمهیدات حفاظتی و پهنه‌های ضربه‌گیر؛ حفظ حریم لازم برای مسیر رودخانه و اصلاح قسمتهایی که خارج حریم ساخته شده‌اند؛ ایجاد شرایط بهینه با دید پانورامیک و با رعایت اولویت‌ها؛ و جلوگیری از تغییر شکل فیزیکی مسیر رود دره و پوشش گیاهی آن. همچنین در زمینه راهبردهای بیان شده، سیاست‌های زیر باید مورد توجه قرار گیرند: بازکاشت عرصه‌های درخت کاری تنک با افزودن گونه‌های درختی پهن برگ مقاوم و منظرساز نظیر ایلان، سماق کوهی، چاتلانقوش، بلوط و ...؛ افزودن بر تعداد پهنه‌های درختکاری حاشیه رودخانه با نمونه‌هایی چون داغداغان، زالزالک، بادام‌کوهی، انجیر و ...؛ تثبیت خاک باکاشت پوشش گیاهی مناسب در قسمت‌های پر شیب؛ بوته کاری و درختچه‌کاری در رویشگاههای صخره‌ای و اراضی شیب‌دار فرسایشی با استفاده از گیاهان بومی‌منطقه نظیر گون زرد، تنگرس، بادام کوهی و ...؛ تملیک اراضی باغ و افزودن آن بر فضای سبز رود دره؛ ترغیب باغداران به حفظ و احیای باغ‌های موجود و ایجاد کاربری تلفیقی تفریحی و تفرجی در باغ‌ها؛ احداث پارک‌های مراکز واحد همسایگی در اراضی بایر قسمت شهری؛ ساماندهی و احداث پیاده راه سبز در حاشیه رودخانه در قسمت شهری؛ طراحی و احداث باغ‌های سنگی در عرضه‌های مناسب محدوده مطالعاتی؛ اجرای قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به حفاظت و بهسازی محیط زیست محدوده مطالعات؛ آموزش عمومی‌در جهت حفظ محیط طبیعی محدوده مطالعاتی و پوشش گیاهی آن؛ تبدیل زمین‌های بایر حاشیه رودخانه در بخش مسکونی به مراکز سبز واحد همسایگی؛ استفاده از سازه‌های سبک؛ تثبیت خاک در نقاط شیب‌دار؛کنترل سیلاب و حرکت آب در نقاط حساس رودخانه؛ جلوگیری از تخلیه زباله و پساب به درون رودخانه و حاشیه آن؛ جلوگیری از تبدیل بخش‌های باقیمانده رودخانه به کانال؛ و تثبیت حریم رودخانه. امید است راهبردها و سیاست‌های ارائه شده زمینه احیاء ارزش‌های زیبایی شناسی رود دره دارآباد تهران را فراهم آورد.

منابع و مآخذ

۱. آل احمد (۱۳۷۷) سوررآلیسم، انگاره زیبایی شناسی هنری، نشر نشانه، چاپ دوم، تهران.

۲. احمدی، بابک (۱۳۷۵) حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران

۳. اسکبلوند (۱۳۸۲) ترمیم بوم‌شناختی به عنوان آموزش همگانی در محیط های شهری، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.

۴. اسپیرن، آن‌ویتسون (۱۳۸۴) زبان منظر، ترجمه: سید حسین بحرینی و بهناز امین زاده. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۵. ایرانی بهبهانی، هما و نرمین رازی مفتخر (۱۳۸۴) طراحی پایدار توسعه پارک جنگلی شیخ تپه ارومیه، نشریه علمی پژوهشی محیط شناسی، شماره ۳۷.

۶. ایرانی بهبهانی، هما و آرتا شریفی (۱۳۸۲) نگاهی به محافظت و باززنده سازی مناظر باستان شناختی (نمونه موردی: تخت سلیمان)، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.

۷. ایرانی بهبهانی، هما و بنفشه شفیعی (۱۳۸۶) منظرسازی کوهستان با استفاده ازگیاهان بومی، نشریه علمی پژوهشی محیط شناسی، شماره ۴۲.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

۸. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۹. بوتکین، دانیل و ادوارد کلر (۱۳۸۲) شناخت محیط زیست، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۱۰. پروینیان، ماندانا (۱۳۸۲) بازآفرینی منظر، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.
۱۱. بزرگی، علی رضا، پور جعفر، محمد رضا و محمد رضا بمانیان (۱۳۸۴) روند برنامه ریزی در جهت احیا رود دره‌های شهر تهران مورد مطالعه رود دره‌کن، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۶
۱۲. بمانیان، محمد رضا (۱۳۸۷) برنامه ریزی در راستای احیا محیط طبیعی رود دره‌های شهر تهران در رویکرد تحلیل عوامل راهبردی swot: مطالعه موردی رود دره ولنجک، فصلنامه علمی پژوهشی علوم محیطی، شماره ۲۰
۱۳. بمانیان، محمدرضا، انصاری، مجتبی و محمدشریف شهیدی (۱۳۸۸) بررسی یک ضرورت: التزام برنامه ریزی پارکهای رودکناری بر اساس مبانی طراحی محیطی و برنامه ریزی منظر (نمونه مورد مداخله: رود دره دارآباد، فصلنامه علمی پژوهشی علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۴۳
۱۴. بهرام سلطانی، (۱۳۸۷) مجموعه مباحث و روش‌های شهر سازی محیط زیست، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهر سازی ایران، تهران.
۱۵. پاسبان حضرت، غلامرضا (۱۳۷۹) رود دره‌های شهرهای ایران بستر پیوند انسان، شهر و طبیعت، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۵۸-۵۹
۱۶. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، جلد اول، چاپ اول، تهران.
۱۷. پورتیوس، داگلاس (۱۳۸۹) زیبایی شناسی محیط زیست؛ ترجمه محمد رضا مثنوی، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۱۸. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱) احیا سیستم آبرسانی در مناطق حاشیه خلیج فارس، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷
۱۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۳) عناصر آب، خاک و گیاه در طبیعت: مورد مطالعه رود دره دارآباد، هم اندیشی عناصر طبیعت، فرهنگستان هنر
۲۰. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، انتشارات پیام
۲۱. پورجعفر، محمدرضا، احمدی، فریال و علی رضا صادقی (۱۳۸۹) بسط اصول و معیارهای طراحی منظر پایداردر مرمت منظر طبیعی مسیل خشک شیراز، نشریه علمی-پژوهشی علوم محیطی، شماره ۲۸
۲۲. خراسانی زاده، محسن (۱۳۸۲) مباحثی درباره شناخت معماری منظر، فصلنامه ی معماری ایران . شماره ۱۳+۱۲.
۲۳. دینارودی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۱) رود دره‌ها به عنوان پارادایم شاخصه‌های طبیعی در حفظ محیط زیست شهری (مطالعه موردی رود دره درکه)، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران
۲۴. سیف‌الهی، شهره، (۱۳۸۱) منظر پنجره‌ای به سوی قلمرو انسانی، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۸-۶۹
۲۵. شفیعی، بنفشه (۱۳۸۰) تلفیق تفرج و طبیعت در مناطق رودکناری با رعایت اکولوژی منظر مطالعه موردی: طراحی حاشیه رودخانه جاجرود واقع در پارک ملی خجیر، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
۲۶. شفیعی، بنفشه و دیگران (۱۳۸۲) ارائه الگوی طراحی و احیاء در مناطق رودکناری با رعایت اصول اکولوژیک منظر مطالعه موردی: حاشیه رودخانه جاجرود واقع در پارک ملی خجیر، نشریه علمی پژوهشی محیط شناسی، شماره ۳۲
۲۷. کالن، گوردون (۱۳۸۲) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۲۸. گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم
۲۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۵) مفهوم منظر شهری، نشریه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

آبادی، شماره ۵۳(۱۸ دورجدید)
۳۰. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفه شماره۳۲
۳۱. لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی‌رضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۳۲ـ لیت،کالین (۱۳۸۲) تجربه زیبایی شناختی، ترجمه فرزانه علیا، فصلنامه خیال، فرهنگستان هنر، شماره ۷
۳۳. لینچ،کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۳۴. لینچ،کوین (۱۳۸۱)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران.
۳۵. لینچ،کوین (۱۳۸۱)، بازنگری در سیمای شهر، ترجمه کوروش گلکار، نشریه صفه، شماره ۳۴
۳۶. ماتلاک (۱۳۷۹) آشنایی باطراحی محیط ومنظر، ترجمه: معاونت آموزش و پرورش سازمان پارکها و فضای سبز تهران، سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران.
۳۷. مک کارتی، بتل (۱۳۸۲) منظر پایدار، فصلنامه ی معماری ایران، شماره ۱۳+۱۲.
۳۸. مک هارگ، ایان (۱۳۸۶) طراحی با طبیعت، مترجم: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
۳۹. معین، (۱۳۷۱)، فرهنگ لغات معین، انتشارات سپهر، چاپ هشتم، تهران.
۴۰. مهندسین مشاور پارهاس و همکاران(گروه مشاوران همکار)، (۱۳۸۳) چارچوب طراحی شهری اراضی عباس آباد، شرکت نوسازی عباس آباد
۴۱. وزیری، علینقی (۱۳۶۳) زیباشناسی در هنر و طبیعت، انتشارات هیرمند، چاپ اول، تهران.
۴۲. نیوتن، اریک (۱۳۶۶) معنی زیبایی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۴۳. یاوری، احمد رضا و دیگران (۱۳۸۳) اصلاح ساختار اکولوژیک و عملکرد زیست محیطی سرزمین شهری مورد مطالعاتی: کریدورهای طبیعی رود دره‌ها در پایتخت، مجموعه مقالات اولین سمینار ساخت و ساز، انتشارات سابقون

44- Farina, A. (2007). Principles and Methods in Landscape Ecology towards a Science of Landscape. Netherland: Springer..
45- Fernandes,J. (2000). Landscape ecology and conservation management Evaluation of alternatives in a highway EIA process. Environmental Impact Assessment Review 20. Pp 665-680
46- Hornby et al., (2007). Oxford Advanced Learner's Dictionary, Oxford University Press.
47- IUCN. (2009). Komadugu Yobe Integrated Management Project. http://cmsdata.iucn.org/download/komadugu_yobe_river_nigeria.pdf. access date: 2009/15/05
48- Neisser, u, (1967), cognitive psychology, englewood cliffs ,nj
49- Norberg- Schulz, Christan (1975), " Meaning in Western Architecture", Praeger Publishers, New York
50- Punter, J.V. (1982) Landscape aesthetics: a synthesis and critique; pp. 100–23 in J.R.Gold and J.Burgess (eds) Valued Environments. London; Allen and Unwin.
51- Rose, M.C. (1976) Nature as an aesthetic object: an essay in meta-aesthetics. British Journal of Aesthetics 16; 3–12.
52- Seamon. David (1982), " The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology ", Journal of environmental psychology, no.2, pp. 119-140.
53- Smardon, R. (1988), Perception and aesthetics of urban environment, Landscape and Urban planning 15, p: 85-106
54- Spreiregen , Paul .(1956) Urban Design . AIA . United States.
55-Thorne, J. (1993). landscape ecology: a fountain for greenway design. minneapolis: university of minnesota.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]